### اشاره

بحث در احتیاط بود، وجوهی بر عدم جواز احتیاط بیان شد، غالب متأخرین متمایل به جواز احتیاط هستند، حتی اگر مستلزم تکرار باشد. مرحوم نائینی مخالف است و ادله مخالفت را به صورت منقّح بیان نموده است.

در اشکال سوم**،** بیان شد که وجه عدم جواز احتیاط و تکرار عمل احتیاطی آن است که به قصد وجه اخلال می‌رساند.

قصد وجه به دو صورت تفسیر شده است: 1ـ قصد وجه یعنی توجه به فعل و لحاظ وجه و علم به وجوب، 2 ـ قصد وجه یعنی وجوب، انگیزه و داعی فعل باشد.

#### احتمال دوم: داعویت وجه

آنچه تا حال بیان شد، ناظر به احتمال اول بود که لحاظ وجه و وجوب بود و بیان شد که علم به وجوب شرط نیست، حال احتمال دوم در مفهوم این شرط، داعویت وجه است، به این بیان که کسی بگوید شرط است یا احتمال دارد که شرط باشد که در انگیزه انسان قصد وجه دخالت دارد و وجه وجوبی در داعویت دخالت دارد، اگر این معنی دوم باشد در صورت تکرار عبادت، قصد وجوب انگیزه و داعی فرد نیست، بلکه احتمال وجوب است در حالی که باید علم به وجوب باید انگیزه باشد و گفته شد که احتمال شرطیت یک شیء کفایت در این می‌کند که این عمل نتواند مصداق مأموربه باشد و باید احتیاط بکند و احتیاط در اینجا این است که برود اجتهاد بکند.

پاسخ دلیل:

1 ـ هیچ­وقت وجود واقعی، داعی مکلف نیست، بلکه وجود علمی وجوب، داعی است. داعویت مربوط به وجود علمی و ادراکی و ذهنی است. لذا افراد تا حکم وجوب را ندانند تحریک برای امتثال نمی‌شوند و انگیزه عمل نخواهند داشت. هنگامی که وجود واقعی و وجود علمی یا فقط وجود علمی باشد، انگیزه و داعویت هست. البته باید توجه داشت که مصلحت با وجود واقعی، تأمین می‌شود. (آب واقعی رفع تشنگی می‌کند)

نوع رابطه بین وجود واقعی و ذهنی رابطه عموم و خصوص من وجه است؛ 1) گاهی واقع و علم به آن هست؛ 2)گاهی علم هست اما واقع نیست؛ 3) گاهی واقع هست اما علم نیست. در صورت اول و دوم داعویت هست، اما در صورت سوم (وجود واقع و عدم علم) داعی وجود ندارد، البته مصلحت در صورت اول و سوم هست.

پس وجود واقعی، داعی نیست، بلکه وجوب به وجود علمی‌اش داعی است، لذا احتمال وجوب نیز داعی می‌شود.

#### ملاحظه:

**اولاً:** در صورت علم اجمالی به وجوب، داعی وجود دارد؛ اما اگر وجوب متعین باشد، باز داعی هست.

**ثانیاً:** در صورت فقدان علم اجمالی، (با احتمال بدوی وجوب که منجر باشد)، وجود ادراکی و علمی وجوب مشخص نیست؛ در این صورت وجود احتمالی وجوب داعی است، مراد از داعویت، قصد وجوب قطعی یا احتمالی است.

#### جمع­بندی

 در شرطیت قصد وجه به نحو داعی، سه احتمال وجود دارد:

1 ـ داعی بودن قصد وجوب به نحو علمی و با علم تفصیلی شرط باشد، چنین قصدی در ما نحن فیه وجود ندارد؛

2 ـ در داعویت، قصد وجود علمی، به نحو علم اجمالی کافی است، در یک صورت داعی هست؛

3 ـ در داعویت، قصد وجوب (و لو به نحو وجوب احتمالی)، کافی باشد، در این صورت همه صور فوق، درست است.

**پاسخ:**

**اولاً:** شرط داعویت علمی را قبول نداریم، زیرا مبتنی بر دلیل نیست؛ استناد به اطلاق لفظی ادله­، دال بر عدم شرطیت است،

**ثانیاً:** اخذ قصد وجه محال است، با اطلاق مقامی شرطیت نفی می‌شود،

ثالثاً: برائت عقلی از شرطیت قصد وجه جاری می‌شود؛ پس قصد علم به وجوب، شرط نیست.

### احتمال سوم: قصد مصلحت

احتمال سوم اینکه مقصود از شرطیت قصد وجه، قصد مصلحت است؛ الکلام الکلام، تمام مباحثی که در احتمل قبلی بیان شد، از حیث کبروی و صغروی در این صورت نیز مطرح است.

در نتیجه قصد وجوب، فاقد دلیل است، لذا مخل به صحت عمل احتیاطی نیست.

### احتمال چهارم: شرطیت قصد تمیز

مرحوم نائینی معتقد است قصد تمیز شرط است و در عمل احتیاطی که موجب تکرار باشد، قصد تمیز وجود ندارد. مفهوم تمیز؛ مشخص بودن وجه عمل به صورت روشن است؛ مانند اداء و قضاء عبادت. این مورد، باید در جای خود بحث شود. فردی نماز اداء و قضاء بر عهده‌اش باشد، نماز بدون قصد تمیز بخواند، کدام حساب می‌شود؟

در مثال پرداخت خمس، آیا پول هزینه شده از مال مخمّس محسوب می­شود یا غیر مخمّس تا خمس به آن تعلق بگیرد، نیاز به قصد تمیز دارد. اگر دو شیئ جدا از هم باشد، قصد تمیز در آن شرط نیست اما اگر در واقع غیر متعین باشد، باید قصد تمیز نماید.

قصد تمیز در باب وجوب و ندب، نیز قابل بحث است، تعیین یکی از وجوب و ندب، را برخی شرط می‌دانند.

تمیز در وجوب، به این است که کدام عمل واجب است؟ تمیز در مقام احتیاط بین دو عمل، ظهر واجب است یا جمعه؟، اگر مقصود وجوب متعین باشد، در بحث قبل مطرح شد، وجوب تفصیل یا اجمالی یا احتمال وجوب سه حالت داشت، که مطرح شد.

### احتمال پنجم: شرطیت قصد امر

عبادت متقوم به قصد امر است، و احتیاط موجب خلل به قصد امر می­باشد.

**پاسخ:**

**اولاً:** قصد امر معلوم نیست شرط باشد، در عبادت قصد «تقرّب الی المولا» کفایت می‌کند.

**ملاحظه**: قصد انتساب عمل به مولا لازم است و از طریق قصد امر میسّر می‌شود، لذا بدون قصد امر قصد قربت حاصل نمی‌شود.

**ثانیاً**: داعی برای عبادت، امر مولا است و همین در عبادیت عبادت، کفایت می‌کند، بنا بر این وجود واقعی عبادت و یا احتمال آن، کفایت می‌کند، پس با علم اجمالی قصد امر وجود دارد. انتساب عبادت به امر مولا (و لو به امر احتمالی) کفایت می‌کند.

اگر قصد امر معلوم، شرط باشد، در صورت علم اجمالی و احتمالی شرط محقق است.

ملاحظه و تأمل:

بین علم اجمالی و عدم آن تفاوت است. توضیح در جلسات آینده انشاء الله.